

جنگ در اوکراین بر سر چیست؟

صفحه ۳

سیاوش دانشور

در یک نگاه

جنگ ضد انسانی در اوکراین باید متوقف شود!

صفحه ۷

رحمان حسین زاده

مبارزه علیه جنگ یا جنگ طلبی

صفحه ۸

احمد بابائی

اعلامیه حزب حکمتیست در باره؛

بحران و جنگ در اوکراین

کارگران علیه جنگ امپریالیستی بپاخیزید!

Declaration of the Worker-communist Party of Iran - Hekmatist on

Crisis and war in Ukraine

Workers, rise up against the imperialist war!

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در مورد جنگ در اوکراین

جنگ امپریالیستی و ضد بشری باید متوقف شود!

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

۶۳۸

مشکل کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۲۰ اسفند ۱۴۰۰ - ۱۱ مارس ۲۰۲۲

اعلامیه حزب حکمتیست

مصوبه دستمزد،

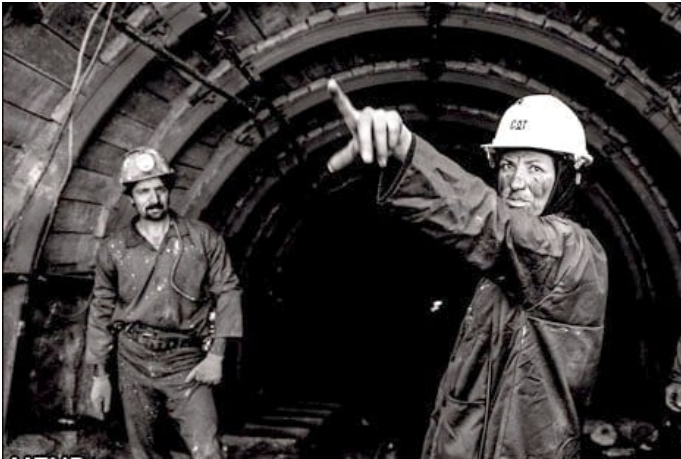
تداوم فقر و فلاکت کارگران!

نمایش مذاکرات نهاد کارفرمایی - دولتی موسوم به "شورای عالی کار" پایان رسید و خروجی آن تعیین حداقل دستمزد در سال ۱۴۰۱ با یک "افزایش ۵۷.۵ درصدی" است. یعنی حداقل دستمزد سال جاری که ۲ میلیون و ۶۵۵ هزار تومان بود به ۴ میلیون و ۱۷۹ هزار تومان افزایش پیدا میکند. این رقم با احتساب افزایش کمک هزینه مسکن و بن خوار و بار و حق اولاد، مجموعاً به رقمی حدود ۶ میلیون و ۷۰۰ میرسد. این یک ریاکاری و دستکاری ارقام است. تردیدی نیست که این ارقام براساس مبنای جعلی نرخ تورم در سال گذشته به عدد جعلی تر "افزایش ۵۷.۵ درصدی" حداقل دستمزد ارتقا یافته است. این در حالی است که طبق آمار خودشان هزینه همان سبد معیشت مورد ادعای حکومت، ۸ میلیون و ۹۷۹ هزار تومان و خط فقر یازده میلیون است، هرچند محاسبات مستقل تر و خواست کارگران برای تامین هزینه زندگی از رقم ۱۶ الی ۱۸ میلیون سخن میگوید.

مشکل اساسی تر اینست که کارفرمایان و دولت همین میزان توافق شده خودشان را هم نمی پردازند و با ابزار

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



کارخانه ها و مراکز مختلف کار احاله و محدود خواهد شد. مسئله تماما اینست که پیروزی در این سنگرهای مشخص نیز در گرو بمیدان آوردن قدرت بیشتر و در ابعاد سراسری است. لذا کارگران در صنایع مختلف لازم است مجمع عمومی بگیرند، دستمزد و حقوق مکفی همگانی مورد نظرشان را اعلام و برسر آن وارد نبرد شوند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۹ اسفند ۱۴۰۰ - ۱۰ مارس ۲۰۲۲

مصوبه دستمزد،

تداوم فقر و فلاکت کارگران ...

شرکتهای پیمانی و دستمزد توافقی و قراردادهای برده وار باز هم همین دستمزدهای نصف خط فقر اسلامی را کاهش میدهند. در سال آتی تورم سنگین ناشی از حذف ارز ترجیحی قیمتها را چند برابر میکند و این دستمزدها و یارانه های ناچیز حریف جبران بخشی از این تورم و گرانی نخواهد شد. بعبارت دیگر کارگران در سال آتی بطور اسمی افزایش حقوق بالای پنجاه درصد گرفتند و در دنیای واقعی هنوز حقوق شان زیر خط فقر و قدرت خریدشان بمراتب از سال قبل کمتر است. یعنی درجه فقر میان جمعیت وسیع کارگری باز هم بیشتر و کمرشکن تر میشود.

کارگران و میلیونها مردم حاشیه نشین و فقر زده، حتی اگر بخواهد نمی توانند در مقابل موج فقر و گرانی جدید پیش رو دوام بباورند. جامعه ملتهب و ناراضی کنونی با این موج جدید فشار اقتصادی که با سرکوب سیاسی توأم شده است، در ابعاد گسترده تری بمصاف حکومت فقر و فلاکت خواهد رفت. مادام که جنبش کارگری در صافی مستقل در کشمکش برسر دستمزد و حقوق پایه همگان حضور موثر ندارد، تلاش برای افزایش دستمزد به سنگر رشته های مجزا و

جان سپیده قلیان در خطر است

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

اطلاعه
parlow TV

ببندگدان عزیز

از اول اکتبر ۲۰۲۱، کانال ماهواره ای "تلویزیون آلترناتیو شورایی" تلویزیون مشترک نیروهای چپ و کمونیست بخش خود را آغاز می کند.

از اول اکتبر، تلویزیون پر تو، رسانه تصویری حزب حکمتیست، برنامه های خود را از این کانال بخش می کند.

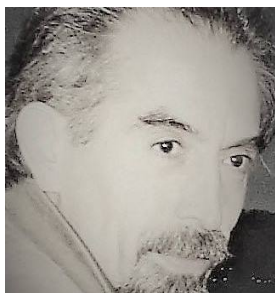
ماهواره یاه ست
لوکانس: ۱۲۵۹۴
پولاریزاسیون: عمومی
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰
اف ای سی: ۳۲۲

ساعات پخش به وقت ایران
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعتهای
۴:۳۰ تا ۳:۳۰
۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰
۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

مرگ بر جمهوری اسلامی!

جنگ در اوکراین بر سر چیست؟

سیاوش دانشور



بدنیای بدون قانون" را اعلام کردند. امروز پوتین و روسیه عظمت طلب مانند بوش و بلر و سارکوزی و اوباما، دقیقاً به همان شیوه آدمکشانه و با همان قوانین ارتجاعی و با همان منطق سودمحور سران دولتهای سرمایه داری عمل میکند و سهمش را میخواد. چین بعنوان یک قدرت بزرگ اقتصادی با پروژه های بزرگ و استراتژیک میروود که مهمترین تهدید

برای دیگر قدرتهای جهانی شود. چین و هند و روسیه قدرتهایی هستند که نظم جهانی جدید بورژوازی بدون در نظر گرفتن نقش آنها ممکن نیست. نیروهای درگیر جنگ کنونی مهمترین قدرتهای سرمایه داری هستند و صورت مسئله این جنگ بر سر باز تعریف چهارچوبهای اقتصادی و سیاسی، حوزه نفوذ، برسمیت شناسی مکان و جایگاه قدرتها، باز تعریف نظام جدید امنیتی و مالی جهان است.

تحولات سه دهه بعد از پایان بلوک شرق، تخریب دیوار برلین و وحدت دو آلمان، پیوستن روسیه و تکه پاره های جدا شده و "استقلال" یافته از فدراسیون روسیه به غرب پیروز و بازار آزاد، جهانی شدن سرمایه و سلطه بر چهارگوشه کره خاکی، هنوز به معنی تعریف "نظم جدید جهانی" و تثبیت رهبری و هژمونی سیاسی و فکری آن نبود و نیست. سقوط بلوک شرق و ادغام آن در بازار جهانی به رهبری بلامنازع آمریکا و غرب پیروز ترجمه نشد. دورنمای "نظم نوین جهانی" آمریکا و بوش به گل نشست، میلناریسم و قلدری آمریکا نتوانست ضعف افول اقتصادی اش را بپوشاند، آمریکا در تحمیل رهبری بلامنازعش به جهان سرمایه داری شکست خورد. در سه دهه بعد از پایان جنگ سرد، برخلاف وعده های پوچ زندگی در "صلح و صفای بازار آزاد و دمکراسی"، دنیا شاهد جنگهای گرم و خونبار و بحرانهای مختلف با تلفات انسانی عظیم از یوگسلاوی در قلب اروپا تا کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بود. جنگهایی که به بهانه داشتن "سلاح کشتار جمعی"، "تقابل با دیکتاتوری و صدور دمکراسی" صورت گرفت و طی آن وسیع ترین و بیسابقه ترین تروریسم و سلاح های کشتار جمعی از بمب فسفر تا اورانیوم رقیق شده و سلاح شیمیایی مورد استفاده قرار گرفت و مرتجعترین دیکتاتورها و نیروهای ضد جامعه را به مردم این کشورها تحمیل کردند. میدانهای جدید جنگ از عراق و افغانستان و سوریه تا سودان و لیبی، فرصتی برای صنایع تسلیحاتی و آزمایش و تبلیغ آخرین سلاحهای مرگبارشان شد. این جنگها قرار بود نظام جهان بعد از جنگ سرد را با رهبری آمریکا و غرب بازسازی کند. اما سرمایه داری پیروز بجای تحقق وعده "پایان دیکتاتوری ها" و دوران "صلح و صفا" بزعامت بازار آزاد و دمکراسی، امروز فاشیسم بی پرده و صریح و تهدید استفاده از سلاح های شیمیایی و بیولوژیک و اتمی را بالای سر مردم جهان نگاه داشته است.

مبانی سیاست کمونیستی در قبال جنگ امپریالیستی

سیاست کمونیستی باید خود را از فشار رسانه ها و سانسور، از توجهات و تبلیغات جنگی دولتهای درگیر جنگ دور کند تا بتواند تنها براساس ماهیت و اهداف اساسی جنگ، خطوط سیاست کمونیستی

صفحه ۴

جنگ در اوکراین مهمترین و بزرگترین بحران بین المللی بعد از پایان جنگ سرد است. صورت مسئله این جنگ محدود به حمله روسیه به اوکراین و منازعات ارضی دو کشور یا عضویت و عدم عضویت در ناتو نیست. این مسائل مشخص میتوانند بروز تنش و شعله ور شدن آتش بحران را توضیح دهند اما توضیح دهنده علت بحران نیستند. علت بحران را باید در تقابلهای استراتژیک و ژئواستراتژیک و اهداف سیاسی و اقتصادی قدرتهای سرمایه داری جستجو کرد. واقعیت اینست که دنیای امروز فاقد قدرت بلامنازع و رهبری کمابیش پذیرفته شده و توافقات درازمدت است. دنیا بعبارتی صاحب ندارد و جنگ دولتهای سرمایه داری قرار است این مهم را بفرجام برساند. جنگ مشخص و محدود در اوکراین میتواند در تعادلی موقتاً خاتمه یابد اما جنگ دولتهای بزرگ بناگزی در نقطه دیگری آغاز خواهد شد. صورت مسئله اساسی جنگ در اوکراین، جنگ دولتهای سرمایه داری با سیاستها و اهداف امپریالیستی است. اوکراین زمین کنونی این جدال وسیعتر است.

اما در سه دهه بعد از پایان جنگ سرد تحولات عظیمی صورت گرفته است. نیروها و قدرتهای اقتصادی و نظامی جدید به صحنه آمدند. ناسیونالیسم عظمت طلب روس و تحقیر شده توسط غرب پیروز، بعنوان دومین ابرقدرت نظامی جهان کمر راست کرده است و دندان تیز و اشتیهای توسعه طلبی را در یکدهه گذشته بنمایش گذاشته است. پوتین از همان کنفرانس مونیخ در فوریه ۲۰۰۷ بازگشت روسیه به عرصه رقابت جهانی و قلدری نظامی را با این سوال که؛ "اگر آمریکا میتواند برخی ضوابط بین المللی را نقض کند چرا روسیه نباید بتواند اینکار را بکند"، صریحاً اعلام کرد. سخنانی که با واکنشهای تند جهانی روبرو شد. همانزمان در واکنش به سخنان پوتین مفسر بلومبرگ بروشنی نوشت: "ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، و مردم این کشور هر چه میگذرد، رهبری بلامنازع آمریکا را در سطح جهان کمتر به رسمیت می شناسند. این در حالی ست که جرج بوش، رئیس جمهور آمریکا، دنیایی یکپارچه می خواهد که در آن رهبری در دست ایالات متحده ی آمریکا باشد". شبیه همین اظهارات را از شولتز در ابتدای بحران اخیر می شنویم که "روسیه میخواد امپراطوریش را احیا کند و چهارچوبهای پذیرفته شده جهانی را تغییر دهد". بلینکن وزیر خارجه آمریکا هم گفت: "هنگامی که اصول حاکمیت و خودمختاری زیرپا گذاشته می شوند، به دنیایی باز میگردید که در آن قوانین و مقرراتی که ما طی دهه ها با هم شکل داده ایم فرسوده و سپس ناپدید می شوند".

بله، دقیقاً بحث بر سر "فرسوده شدن و نابود شدن" همین قوانین است که خود آمریکا و ناتو با بمباران بلغراد پیشاپیش حکم ابطالش را امضا کردند، با حمله به عراق "نظم نوین جهانی" را جار زدند و با حمله به افغانستان و لیبی و سوریه و بمبارانها و تروریسم هوایی "بازگشت

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

کنفرانس یالتا را امروز قبول دارد؟ نفس همین جنگها، نفس گسترش میلیتاریسم، تهاجم نظامی دولتهای مختلف از آمریکا و روسیه و فرانسه و انگلیس به هر جای جهان، چیزی بنام قوانین بین المللی که قابل اعتنا و مورد احترام توده اهالی باشد، باقی نگذاشته است. امروز نویسندگان و پرچمداران همین قوانین بر فرسوده بودن آنها تاکید میکنند.

"محکومیت تجاوز روسیه"

میگویند بالاخره یک کشور تجاوز نظامی کرده و باید محکوم کرد. اینکه شما چه را محکوم می کنید در واقع دارید به ابعاد جنگ و نظرتان در قبال آن واقعه موضع می گیرید. ما حمله پوتین به اوکراین را محکوم نکردیم چون محکومیت من و شما کنار محکومیت بایدن و شرکا می رود و معنای متمایزی پیدا نمی کند. ما حمله پوتین به اوکراین را محکوم نکردیم بلکه آنرا سیاستی میلیتاریستی و ضد کارگری و ارتجاعی دانستیم و خواهان توقف فوری جنگ بدلیل تلفات انسانی و ویرانی و آوارگی هستیم. آنچه از نظر ما محکوم است، نفس جنگ و جدال امپریالیستی و اهداف ارتجاعی آن با کلیه شرکای درگیر از آمریکا و اروپا و کشورهای عضو ناتو تا روسیه و چین است. حمله هر طرف جدال به مردم بیدفاع، گروگانگیری مردم و ممانعت از ورود به کشورهای دیگر، پاکسازی قومی، ترور مخالفین و اقداماتی از این دست باید قطعاً محکوم شود. اما محکوم کردن حمله نظامی پوتین به حکومت زلنسکی فاشیست، چیزی در مورد ماهیت و صورت مسئله جنگ نمیگوید.

"نگرانی های امنیتی روسیه"

میگویند مسئله برسر نگرانی های امنیتی روسیه و گسترش ناتو به سمت شرق است. نظام امنیت جهان کلاً زیر سوال رفته است و نگرانی ها و ادعاهای هر سوی دعوا امروز از طرق دیگری حل و فصل میشود. آنچه "امنیت تقسیم ناپذیر" خوانده میشود، در نظر گرفتن حائل ها میان قدرتهای سرمایه داری یا در مناطق حساس و مورد مشاجره، مناطقی غیر نظامی میشود و دولتهای مربوطه عضو پیمانهای نظامی نمی شوند. طرح قبلی و نظر کسینجر این بود که مانند سوئد و فنلاند، اوکراین هم نباید عضو ناتو شود. اما این یک جنبه فرعی تر مسئله است. این دنیای دوره جنگ سرد نیست و ادبیات و فرمولبندی های جنگ سردی و این همانی شرایطهای متفاوت؛ پاسخی به سوالات امروز نمیدهد. امنیت جهانی را باید با مهار دولتهای جنگ طلب و میلیتاریست، با خلع سلاح، الغای پیمانهای نظامی و گرفتن اختیار سازماندهی جنگ از دولتهای کنونی تامین کرد. امنیت را کسانی بوجود می آورند که در آن نینفع اند. برای سرمایه اگر امنیت سودآوری مورد تهدید قرار گیرد، آنوقت هر قانون "مقدسی" یک سنت ارزش ندارد و منسوخ اعلام میشود.

جنگ بمثابة ادامه سیاست به وسائل دیگر

جنگ تنها وقتی رخ میدهد که برای طرفین ضروری شده باشد. جنگ زمانی ضروری میشود که روشهای تاکتونی و "متعارف" سیاست و دیپلماسی و بند و بست پاسخگو نبوند و به بن بست رسیدند. هر چند جنگ در سرمایه داری شکلی مستمر دارد و دوره های کوتاه صلح و آتش بس و صلح مسلح، صرفاً لحظاتی از جنگ مستمر است. جنگ بطور مشخص همواره قاپیدن یک بزنگاه است برای تداوم سیاستهای پیشین و اهداف قبلی که هنوز متحقق نشدند. جنگ ابزار و وسیله ای برای تحمیل توازن جدیدی به رقبا و لذا تغییر معادلات

صفحه ۵

جنگ در اوکراین بر سر چیست ...

را ترسیم کند.

"تقابل دموکراسی و دیکتاتوری"

میگویند این جنگ برسر "تقابل دموکراسی و دیکتاتوری" است. این فرمولبندی شاید در دوران جنگ سرد و وعده دموکراسی در مقابل توتالیتریانیسم، موقتاً و آنهم برای مردمی که عقل شان را از تلویزیون می گیرند، قانع کننده می بود. اما امروز تماماً مسخره است. هیچ کسی با عقل متوسط در سیمای بایدن و شولتز و مکرون و جانسون و اردوغان و نفتالی بنت، دموکرات منشی و آزادیخواهی جستجو نمیکند. وانگهی پرونده سیاه اینها اجازه نمیدهد این تبلیغات در جامعه جای خود را پیدا کند. این نه تقابل دموکراسی و دیکتاتوری بلکه تقابل دیکتاتورهای سرمایه داری در دو سوی معادله علیه بشریت کارگر است. دموکراسی رسمی امروز اسم رمز توجیه و میدان دادن به نژادپرستی و ناسیونالیسم، مذهب و راسیسم، بمباران مردم بیدفاع و سازماندهی تروریسم دولتی و غیر دولتی است.

"نقض حاکمیت ملی اوکراین"

میگویند جهان نباید "نقض حاکمیت ملی اوکراین" توسط روسیه متجاوز را بپذیرد و باید محکوم شود. "حاکمیت ملی اوکراین"، یعنی حاکمیت بورژوازی و اولیگارشی ها و فاشیست های اوکراین بر بازار داخلی، هیچ ربطی به کارگران و منافع آنها ندارد. بدترین سیاست بخت شدن کارگران در جبهه ها برای دفاع از منافع بورژوازی تحت عنوان "دفاع از حق حاکمیت ملی اوکراین" است. برای ما کمونیست ها، ما مخالفین ناسیونالیسم و فاشیسم و عظمت طلبی و میلیتاریسم، نه فقط "حاکمیت ملی اوکراین" و "تمامیت ارضی اوکراین" بلکه دیگر حوزه های قدرت و نفوذ بورژوازی فاقد ارزش است. ما کمونیست ها خواهان همبستگی و همزیستی مسالمت آمیز مردم در جغرافیاهای وسیعتر هستیم. برای ما مهم و اولویت اینست که هر بخشی از مردم در یک جغرافیا، بزرگ یا کوچک، تا چه اندازه مرفه و خوشبخت و باحقوق اند. کارگران و کمونیست ها از جنگ سرمایه داران حمایت نمیکند بلکه سیاست شان مبتنی بر همبستگی بخشهای مختلف طبقه کارگر جهانی بویژه کارگران کشورهای درگیر جنگ علیه بورژوازی در هر دو طرف است.

"نقص قوانین بین المللی"

میگویند حمله روسیه به اوکراین "نقص قوانین و ضوابط بین المللی" است. این قوانین را ما کمونیستها و کارگران ننوشته ایم، آنها را تائید نکرده ایم و نقض آن از هر سو دلیلی بر جانبداری یا دفاع ما از این قوانین نیست. ما بعنوان جنبش کمونیستی طبقه کارگر همواره خود را در مقابل این قوانین می بینیم و اگر بدست ما باشد قوانین بین المللی باید مبنای دیگری جز آنچه تاکنون بوده داشته باشند. قوانین کنونی بین المللی حاصل جنگ ها و توافقات نیروهای درگیر است. آیا کسی نتایج

کارگر، معلم پیاخیز، برای رفع تبعیض!

علیه جنگ، علیه میلیتاریسم

جنگ در اوکراین تلنگری به میلیاردها نفوس کره خاکی بود که در جهان تحت حاکمیت سرمایه داری امروز امنیتی وجود ندارد. کسانی که باور کرده بودند تنها در کانونهای بحران جنگ در جریان است و دامن مناطق "امن" را نمی گیرد، یکبارہ چشم شان به خطر جنگ اتمی و بربریت مدرن روشن شده است. جنگ آنچنان توقعات را پائین می برد که همه بلافاصله فهمیدند دیگر وقت بحث برسر محیط زیست و انرژی پاک و خلع سلاح نیست و شیک بنظر میرسد. برعکس، موجه شدن میلیتاریسم و افزایش بودجه نظامی، تبدیل جنگ طلبی به زبان و ادبیات رایج، رنگ باختن ژست های دمکراتیک، عادی سازی تحقیر جمعی و مجازات جمعی، بروز راسیسم زمخت در رسانه های دمکرات، سانسور عریان و قرنطینه فکری مردم عادی شد. دیگر کسی از محدودیت اینترنت در ایران و چین نمیگوید، خود غرب دمکرات از رسانه ها تا ورزش و هنر و حیوان و ودکا و هرچه اسم و مارک روسی داشت را تحریم و بلوکه کرد. روز روشن به دنیا میگویند که تنها حق دارید از این منابع و به زبان ما خبر بشنوید. نازیها قبل از راه اندازی آشویتس تا این حد جلو نرفته بودند. جای حقیقت را فیک نیوز، جای انساندوستی را راسیسم، جای صلح طلبی را جنگ طلبی، جای جنبش ضد جنگ را تبلیغ برای عضویت ناتو در اوکراین و دمیدن در کوره جنگ گرفت.

هم پوتین مدعی "نازی زدائی" است و هم غربیها تلاش کردند از پوتین "هیتلر دوم" بسازند. و این در نوع خود و فریبکاری تبلیغاتی جالب است. ضدیت با فاشیسم در افکار عمومی به هر حال مقبولیتی دارد و چهره میلیتاریستی را بزک می کند. کل این اردوی جنگ طلبان متکی به ناسیونالیسم اند و ناسیونالیسم یک پایه اساسی فاشیسم است. تردیدی نیست حکومت اوکراین را اساساً فاشیستها تشکیل دادند و کودتای میدان در سال ۲۰۱۴ با رهبری و پول آمریکا و سازماندهی آگاهانه فاشیست ها صورت گرفت. فاشیست های گردان آروف و گروههای مشابه دیگر، نیروی سرکوب الیگارش های اوکراینی هستند که از داعش کثیف تر و خشن ترند. اما ناسیونالیسم عظمت طلب روس نیز از همین جنس است. بایدن و جانسون و مکرون دمکرات نیز از همین جنس اند و در دو هفته اخیر دنیا با چشمان مملو از حیرت دید که زیر پوسته نازک دمکراسی چه گندابی لانه کرده است. بنزین ماشین جنگ ناسیونالیسم است، کوبیدن بر عرق ملی و تاریخ جعلی و تهدید قومی و زبانی، ناسیونالیسمی که کمی داغ شود در ایستگاه فاشیسم و پاکسازی قومی ظهور میکند. ناسیونالیسم و فاشیسم ایندولوژی جنگ در هر دو سوی منازعه است. در این جنگ نمیتوان دنبال مقصر گشت. همه عناصر اساسی درگیر جنگ در دو سوی جدال مقصر و مسئول وضعیت کنونی اند.

"جنبش مقاومت توده ای در اوکراین"

دولتهای غربی از "جنبش مقاومت توده ای در اوکراین" سخن میگویند. جنبش مقاومت توده ای وجود خارجی ندارد. آنچه هست دولت و ارتش زلنسکی و گروه های فاشیستی در حکومت و ادغام شده در ارتش هستند که کل دنیای دمکراسی برای آنها سوت میزند و از یک دلک "قهرمان" ساخته اند. این "جنبش مقاومت" ادامه جنگ ناتو در اوکراین است، چیزی شبیه ارتش آزادیبخش کوسوو در یوگسلاوی سابق یا داعش در سوریه و عراق. دولت زلنسکی مردم اوکراین را از شانزده سال بیابا گروگان گرفته تا ناچار به شرکت در جنگ و گوشت دم

جنگ در اوکراین برسر چیست ...

تاکنونی است. جنگ بیان تشدید مبارزه طبقاتی در جامعه از جمله تشدید تقابلهای درون طبقاتی کمپ بورژوازی است که دیگر تامین منافع مشخص اقتصادی و موقعیت و جایگاه طرفین درگیر بدون جنگ ممکن نیست. جنگ با هر بهانه ای و هر توجیهی میتواند شروع شود، اما نه شروع کننده جنگ اهمیت دارد و نه تبئینی که طرفین از جنگ بدست میدهند. جنگ مشقت بارترین مسئله ای است که شهروندان با آن روبرو میشوند و بهای آنرا با بیشترین لطمات و تلفات انسانی میدهند.

در قبال جنگ مارکسیست ها نسخه ای برای تمام فصول ندارند. کمونیسیت ها بطور کلی علیه جنگ نیستند بلکه علیه جنگهای ارتجاعی و امپریالیستی هستند. بسیاری از جنگها میتواند طی انقلاب و خیزش توده ای برای یکپارچه کردن قدرت سیاسی، با هدف خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقات دارا و حکومتهای مختلف یا علیه قدرتهای واپسگرا و فاشیستی صورت گیرد. این جنگها برحق اند. کمونیسیت ها در برخورد به هر جنگ مشخص، با تبیین و تحلیل اهداف و ماهیت جنگ و تناقض آن علیه اهداف طبقه کارگر و مبارزه سوسیالیستی برخورد مشخص می کنند. "ما بطور کلی علیه هر جنگی هستیم" زیادی سانی مانتال است. کسی که هر روز میگوید کارگران متشکل شوید و علیه حاکمیت بورژوازی بایستید، در قبال جنگ دولتهای سرمایه داری نمی تواند نقش مادر ترزا را بازی کند. کمونیسیتها در جنگ دولتهای بورژوازی کنار هیچکدام نمی ایستند بلکه تلاش میکنند نتیجه را بر علیه آنها تغییر دهند.

یک هدف آمریکا تحمیل یک موقعیت درجه چندم به روسیه و تضعیف آن در معادلات منطقه ای و جهانی است. بقول برژینسکی اگر بتوانند روسیه و آن "حفره سیاه" را فتح کنند، این شاید ضامن حاکمیت و رهبری جهانی آمریکا بعنوان تنها ابرقدرت جهان باشد. سیاست مهار چین و روسیه، تلاش برای جدائی ایندو قدرت امپریالیستی، ایجاد شکاف بین روسیه و اروپا و نزدیک تر کردن اروپا زیر چتر آمریکا و ناتو، اعمال رهبری آمریکا در این بحران از اهداف آمریکا در جنگ جاری است. موضع باصطلاح "متعادل" چین ناشی از تناقض منافع از هر سو است اما بروشنی در دعوای کنونی متمایل تر به روسیه و در جهت اهداف و منافع مشترک شان ایستاده است. امری که با دو راهی های دیگری روبرو خواهد شد و میتواند تعدیل شود. اهداف روسیه هم همان اهداف اعلام شده فوری پوتین مبنی بر عدم عضویت اوکراین در ناتو و استقلال دو جمهوری دونتسک و لوهانسک و مسئله کریمه نیست، اینها دریچه ای به یک هدف مهمتر است. اساسی ترین و مهمترین هدف روسیه چلنج سیاستهای آمریکا، تحمیل موقعیت خود و برسمیت شناخته شدن بعنوان یک قدرت مهم جهانی، شریک در تعیین و تنظیم چهارچوبها و ساختار سیاسی و امنیتی جهان قرن بیست و یکم است.

پناهجویان "غیر اروپایی"، تقابل با تحریم تجاری و اقتصادی که دودش به چشم کارگران و مردم محروم روسیه می‌رود، تقویت یک صف انترناسیونالیستی کارگری است که حرف متمایزی در قبال کل جنگ امپریالیستی میزند.

فی الحال و با گذشت دو هفته از جنگ، همانطور که انتظار میرفت و ما بدرستی تاکید کردیم، جهان شاهد عقب‌گردهای بزرگ است. همه ناظر زنده میدانند که کلیسا و نیروهای متعصب مذهبی و فاشیست هستیم، جلوی چشمان ما میلیون‌ها نفر آواره شدند و محل زندگی شان ویران شده است، گرانی در قلب اروپا بیداد میکند و ناامنی را در چهره هر کسی میتوان دید. این جنگ فی الحال خطر استفاده از سلاحهای بیولوژیک و شیمیایی و تاکتیکی اتمی را بالای سر جهان گرفته است. این جنگ باید متوقف شود چون بجز واپسگرایی و جهالت و فقر و ویرانی ارمغانی ندارد.

جنگ شرایط و فرصت های جدیدی را نیز خلق میکند. کمون پاریس و اکتبر اکتبر و انقلابات اروپا در متن جنگ رخ دادند. امروز اوضاع دنیا و جنبش بین المللی کمونیستی کارگری متفاوت است اما کاملاً قابل انتظار است که در همین کشورهای غربی، جنبش ضد کاپیتالیستی علیه جنگ و نظم کنونی اینبار روشن تر و با قدرت بیشتری ابراز وجود کند. جایگاهی قدرت در زمان جنگ یک امکان هرچند ضعیف و نادر است. کارگر و کمونیسم باید با چشم باز اوضاع را دنبال کند و در مقابل اهداف ارتجاعی جنگ سرمایه داران افق انقلابی خود را قرار دهد. آنچه امروز سنگ بنا و امکای عینی یک حرکت روجلو و پیشرو را میسر میسازد، تلاش برای شکل دادن به یک صف مستقل طبقاتی و انترناسیونالیستی در مقابل جنگ و اهداف ارتجاعی و ضد کارگری دولتهای بورژوائی است. بیش از هر زمان ضروری است که سیاست کمونیستی در قبال جنگ فعالانه ادامه یابد، کارگران میتوانند با شعار "نه به جنگ سرمایه داران"، "توقف فوری جنگ"، "جنایتکاران جنگی باید محاکمه شوند"، آلترناتیو طبقاتی و راه حل سوسیالیستی خود را طرح کنند.

۱۰ مارس ۲۰۲۲

جنگ در اوکراین بر سر چیست ...

توپ و موشک کند. بدون تردید تعدادی هم با روحیات ناسیونالیستی و تحت تاثیر همین حکومت و تبلیغات، داوطلبانه از ارتش اسلحه گرفتند. اما این از ماهیت ارتجاعی این حرکت چیزی کم نمیکند. برای مارکسیست ها جنبش مقاومت فی النفسه و در خود قابل حمایت نیست. انواع مقاومت ارتجاعی و نیروهای نیابتی داریم که ادامه سازمانهای جاسوسی و نظامی و نیروهای ارتش حرفه ای اند. بلاک واتر و پیمانکاران نظامی، گروه ها و دستجات اسلامی که قرار است بزودی از جبهه دیگری، احتمالاً افغانستان، موی دماغ روسیه و پوتین شوند، وارد این جنگ خواهند شد. مقاومت توده ای تحت یک رهبری انقلابی و مستقل از دولتها علیه فاشیسم و اسلام سیاسی حرکتی قابل دفاع است اما هرچه نامش "جنبش مقاومت" باشد قابل دفاع نیست.

چه باید کرد امروز

سیاست کمونیستها و طبقه کارگر در قبال جنگ امپریالیستی تنها میتواند سیاستی لنینی باشد. کارگران و کمونیست ها در تبلیغات سرمایه داران و جنگ طلبان متفرقه سهیم نمیشوند بلکه علیه جنگ از موضع منفعت طبقاتی و انترناسیونالیستی دخالت می کنند. لذا فراخوان ما به طبقه کارگر در روسیه و اوکراین بروشنی اینست که نیروی جنگ ارتجاعی امپریالیستی نشوید، در صف نیروهای دولتهای "خودی" پوتین و زلنسکی و موثلفین آنها قرار نگیرید، به منافع آبی و آبی و طبقاتی خود توجه کنید. ما میگوئیم این جنگ کارگران نیست، جنگ سرمایه داران است. منفعت ما مبارزه برای ختم فوری جنگ، اعتصاب و اعتراض بر علیه جنگ، و برگرداندن لوله تفنگها و اعتراض علیه جنگ طلبان و دولتهای "خودی" است. در اروپا و آمریکا یک سیاست کارگری بر اعتصاب برای ختم جنگ، ممانعت از ارسال تسلیحات و لجستیک جنگ برای اوکراین، تقابل با نژادپرستی عریان رسانه ها علیه روس تبارها و

**مجمع عمومی ظرف ابراز وجود
مستقیم و مستمر کارگران است!
مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر
نیازی برپا کنید!**

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم،

بدون «خطر» سوسیالیسم،

به چه منجلابی تبدیل میشود!

منصور حکمت

آموزش رایگان برای همگان!

در یک نگاه

جنگ ضد انسانی در اوکراین باید متوقف شود!

رحمان حسین زاده



نیابتی قدرتهای بزرگ جهان و متحدان ضد مردمی آنها در سطح کشوری و محلی تماماً نقطه مقابل منافع کارگران و مردم و بخش عظیم شهروندان جامعه است. توجیحات پوچ و خرافی "منافع ملی و تمامیت ارضی، و حاکمیت ملی و مستقل" و در این مورد مشخص بهانه "پیوستن و یا نپیوستن اوکراین به ناتو" از

جانب دولتهای دو طرف، به هیچوجه جنگ ویرانگر کنونی را توجیه نمیکند. پس زدن تبلیغات ناسیونالیستی و شونویستی وظیفه هر نیروی آزادیخواه و کمونیست است.

د - این جنگ باید متوقف شود، چون تا هم اکنون به تقویت عقب گردهای بزرگ و روندهای عقب مانده، به تقویت ناسیونالیسم و شونویسم در کشورهای روسیه و اوکراین و در سطح جهان و مشخصاً به تقویت فاشیسم در اوکراین منجر شده است. این جنگ تبهکارانه به شکاف و تفرقه و دشمنی در بین کارگران و مردم روسیه و اوکراین و حتی در دیگر کشورها دامن زده است. منافع کارگران و مردم و بشریت مترقی در متوقف شدن این جنگ است. در این راستا بار دیگر بر رئوس سیاست کمونیستی زیر در قبال این جنگ تاکید میکنم.

۱- کارگران و مردم ستمدیده جهان و آزادیخواهان و کمونیستها به ویژه در روسیه و اوکراین لازم است به عنوان جنگ امپریالیستی به عنوان کشمکش مخرب قدرتهای جهانی ضد مردم و در این مورد زورگویی میلیتاریستی روسیه نفرت و انزجار خود را از آن اعلام کنند. با آگاهگری و سازمانگری مؤثر و توده ای نیروی مادی اعتراض با پرچم و شعار "نه به جنگ سرمایه داران" را به میدان کشیم. به کلیشه پاسیو و بی خاصیت "محکوم میکنیم" نباید بسنده کرد، فراتر از آن و در صدایی رسا جنگ و کشمکش قدرتهای امپریالیستی و در این مورد زورگویی میلیتاریستی روسیه را ارتجاعی و ضد کارگری و ضد انسانی باید اعلام کرد و از کارگر و مردم و آزادیخواهان در سطح جهان به ویژه در روسیه و اوکراین میخواستیم علیه این جنگ و بانیان آن به میدان آیند.

۲- طبقه کارگر روسیه و اوکراین و کمونیستها در این دو کشور وظیفه طبقاتی و سیاسی مهمی را در این دوران سخت و حساس تاریخی به عهده دارند. وقت آنست با پرچم مبارزه با "بورژوازی خودی" و برای ساقط کردن هیئت حاکمه های بورژوازی مسبب این جنگ به میدان بیایند. همانطور که در روسیه سال ۱۹۱۷ تحت رهبری حزب بلشویک و رهبری داهیان لنین مظهر انقلاب و آزادیخواهی حاکمیت بورژوازی وقت را سرنگون و انقلاب کارگری را ممکن کردند. اکنون و دوباره حرکت خلاف جریانی و کمونیستی را میطلبید که به دام فضای سنگین ناسیونالیستی نیفتند و سیاست طبقاتی و کارگری و انترناسیونالیستی را احیاء کنند. همین جا به "رهبری حزب کمونیست روسیه کنونی و شخص گنادی زیوگانف دبیر کل آن" و کل احزاب همپالگیشان در جهان باید ننگ و نفرت فرستاد که به نام "چپ و کمونیست" در کنار ارباب جنگی پوتین ناسیونال شونویست روسیه ایستاده و از این جنگ جنایتکارانه حمایت میکنند. به همان شیوه وظیفه کارگران

جنگ در اوکراین ادامه زور آزمایی و کشمکش قدرتهای جهانی کاپیتالیسم معاصر در راستای سهم خواهی بیشتر در اقتصاد و سیاست جهانی و تحمیل موقعیت بالادستی به مثابه ابر قدرت جهانی در دنیای چند قطبی ثبات نیافته است. اطلاق جنگ روسیه، اوکراین و دادن تصویری از آن به عنوان جنگی مشابه جنگهای وقوع یافته مابین دو دولت همجوار به شدت گمراه کننده و ضد حقیقت است. در یک طرف ناسیونالیسم عظمت طلب روسی تاریخاً "ضد غربی" و در طرف مقابل هیئت حاکمه آمریکا در رأس ناتوی همواره خواهان تضعیف روسیه "شرقی" صف آرایی کرده اند. توجیحات ناسیونالیستی دولتهای مرتجع حاکم در روسیه و در اوکراین در جنگ کنونی را در بطن این کشمکش وسیع باید دید. به این اعتبار این جنگ ارتجاعی ادامه جدال قدرتهای امپریالیست دوره حاضر است، که در قالب جنگ دو دولت تا مغز استخوان ضد بشر حاکم در مسکو و کی یف و در این مورد مشخص لشکرکشی و زورگویی میلیتاریستی روسیه در اوکراین به وقوع پیوسته است. دولت حاکم بر اوکراین عملاً نقش نیابتی جنگ برای ناتو را به عهده گرفته است. این جنگ از هر دو سو تماماً ضد انسانی و علیه منافع کارگران و مردم تحت فشار، در روسیه و اوکراین و اروپا و جهان است. کوچکترین سمپاتی به طرفین این جنگ از جانب کارگران و مردم و آزادیخواهان و کمونیستها در روسیه و اوکراین و جهان و ایران به این جنگ و اهداف و روشهای ضد بشری طرفین خطای بزرگی است. سبک و سنگین کردنهای اپورتونیستی چپ پروروسی و پرو غربی مبنی بر اینکه کدام طرف بیشتر و یا کمتر مقصر بوده، یا تمایل نشان دادن به مشروع جلوه دادن توجیحات ناسیونال شونویستی طرفین بخشی از پروپاگاندا این جنگ و خاک پاشیدن در چشم انسانیت و حقیقت است.

از نظر ما این جنگ امپریالیستی و ضد انسانی به فوریت باید متوقف شود.

الف - این جنگ باید متوقف شود، چون تا این لحظه بیشترین لطامات و فجایع این جنگ بر مردم سیویل تحمیل شده است. خانه و زندگی، حاصل رنج کار و زحمت سالهای سال عمر مردم بخت برگشته در اوکراین برسرشان خراب شده است. هزاران کشته و زخمی از مردم عادی و میلیونها آواره، درست مثل موارد فاجعه بار دیگر در عراق و افغانستان و سوریه و لیبی و یمن و ... تنهایی اجتماعی بیار آورده و آینده سیاهتری را رقم میزند. به این توحش باید پایان داد.

ب - این جنگ باید متوقف شود، چون کابوس گسترش آن به یک جنگ بزرگتر با ابعاد اروپایی و حتی جهانی نفسها را در سینه مردم حبس کرده است. تهدید جنگ هسته ای زندگی مردمان کره ارض را به گروگان گرفته است.

ج - این جنگ باید متوقف شود، چون رقابت و جدال و جنگ مستقیم و یا

جنگ ضد انسانی در

اوکراین باید متوقف شود...

و آزادیخواهان و کمونیستهای اوکراین است به گوشت دم توپ بورژوازی پروغری و ناتویی و دولت زلنسکی تبدیل نشوند. هر اعتراض مردم در مقابل تجاوزگری نظامی ارتش روسیه به خانه و زندگی و محل کار و شهرشان بسیار لازم است مستقل از دولت حاکم زلنسکی و به ویژه مستقل از دارودسته های فاشیست پا گرفته در اوکراین سازمان یابد.

۳- در سطح جهان گسترش اعتراض و مقابله با این جنگ و حمایت از کارگران و مردم اوکراین و مقاومت و مبارزات آزادیخواهان و مترقی آنها وظیفه کارگران و مردم حق طلب و همه ما کمونیستها است. با پرچم "این جنگ باید متوقف شود"، با شعار "نه به جنگ سرمایه داران" و "دست قدرتهای جهانی، امپریالیسم روسیه و آمریکا و ناتو از سر مردم کوتاه" باید به میدان آمد. وظیفه ما آزادیخواهان است جنبش قوی ضد جنگ سرمایه داران، متفاوت از جنبش ضد جنگ ساخته و پرداخته دولتهای بورژوازی و ناتویی را سازمان دهیم.

۴- جنبش آزادیخواهان و کمونیستی در کنار مقابله موثر با قلداری میلیتاریستی روسیه، با ترفندها و توطئه ها و نقشه های آمریکا و ناتو باید مقابله کند. تحریم اقتصادی را به عنوان سلاح کشتار جمعی مورد اعتراض و نفرت قرار دهد. در یک کلام علیه قدرتهای جهانی و امپریالیستی و دولتهای مرتجع همراه آنها لازمست نیرو جمع کرد و مبارزه انقلابی را سازمان داد. این تنها راه کارساز پایان دادن به استثمار و ستم و جنگ و کشمکش قطبهای بورژوا امپریالیستی و دولتهای مرتج متحد آنها است. ما به به عنوان کارگران و کمونیستها و آزادیخواهان ایران باید سهم خود را ایفاء کنیم. حزب ما در این راه و بنا به امکانات خود گامهای لازم را بر میدارد.

مبارزه علیه جنگ یا جنگ طلبی

احمد بابائی



مبارزه و مقاومت علیه ستم، هر نوع ستمی، برحق و قابل حمایت هست. اما هر مبارزه و مقاومتی برحق و قابل حمایت نیست. مبارزه کارگران در مقابل کارفرما و دولت، برای افزایش دستمزد، بهبود سطح معیشت و رفاه را همه ما حمایت و تمجید میکنیم. مبارزه و مقاومت زنان علیه قوانین مردسالاری، علیه تبعیض و نابرابری را تحسین میکنیم. مبارزه و مقاومت معلمان برای اجرای رتبه بندی، همسان سازی، آموزش رایگان و با کیفیت را مبارزه ای حق طلبانه میدانیم. تمام این اعتراضات و مبارزات و مقاومتها در مقابل سرکوب و تهدید را برحق و امر خود می دانیم.

اما "مقاومت" در جنگی که ذره ای از منفعت اکثریت کارگران و شهروندان جامعه در آن نیست را چرا باید بپذیریم؟ همراهی با یکی از طرفین جنگ و شرکت در "مقاومت" آنها معنی ای جز این ندارد که ما در صف سرمایه داران و با سیاست سرمایه داران و برای هدف سرمایه داران می جنگیم. این مقاومت مردم علیه جنگ نیست، همراهی با یک طرف جنگ است.

حالا در اوکراین چه امکانی برای مقاومت بدون اینکه کنار ناتو و زلنسکی و فاشیستها باشید وجود دارد؟ هیچی. این حرکت "مقاومت" نیست، شرکت در جنگ است. اما مگر جنگهای ارتجاعی جز این بوده اند، آیا این جنگها بجز خانه خرابی و نابودی و آوارگی خاصیتی هم داشته اند؟ ما همواره در یک حالت جنگی بسر میبریم. طبقه حاکم در جنگ روزمره با ما کارگران است. این اعلان جنگ همیشه بوده و تا نظام طبقاتی هست وجود خواهد داشت. اما جنگ سرمایه داران ابعاد بزرگتر و ویرانگری توسط دو نیروی دولتی مرتجع است که به جامعه تحمیل میشود. اینجا وضعیت بسیار مشخص است و باید حرف روشنی زد.

فرض کنیم که مقاومت علیه جنگ افروز را قبول کنیم و بخواهیم برای مقابله در شهرهای اوکراین و خیابانهای کیف علیه ارتش روسیه بجنگیم. سوال اینست چگونه؟ احتمالا با چوب و سنگ کاری از پیش نخواهیم برد. اینجا توپخانه است و دورن و موشکهای بالستیک و بمبهای ویرانگر که از هوا و زمین و دریا بر سر مردم می ریزد. برای در امان ماندن و مقابله با آتش این توپخانه، نیاز به تسلیحاتی هست که اگر همدریف آنها نباشد، دستکم قابل استفاده برای دفع این حملات باشد. اما این ابزار جنگی در هر کشوری دست ارتش و نیروی زبده و آموزش دیده آن قرار دارد. یعنی نیروهای اهل مقاومت باید به ارتش و نیروهای دولتی و تحت سازمان آنها بپیوندند تا بتوانند اصولا در جنگی شرکت کنند. کسانی که از "مقاومت توده ای مردم اوکراین" حرف میزنند، اگر بایند و سران دولتها و زلنسکی را کنار بگذارید که میخواهند با نیتر مقاومت به جنگ شان وجهه توده ای و حمایت مردمی بدهند، هر نیت خیری که سخنگویان آن داشته باشند، سیاست شان رفتن به جبهه سربازان ارتش و دولت مربوطه است. آنها اگر روی حرفشان پیگیر باشند الان باید در کنار گردان آروف و ارتش اوکراین مشغول جنگ باشند.

بنابر این تشویق به مقاومت در این شرایط که ناتو، کشور اوکراین را به میدان جنگ خود تبدیل کرده است، یعنی کمک کردن به ندادن جنگ سرمایه داران، یعنی شریک شدن در جنگ طلبی دولتها، یعنی باطل کردن پیشاپیش هرگونه ادعای مخالفت با جنگ! این سیاست "نه به جنگ" و "توقف فوری جنگ" را خنثی می کند و جریان مدافع "مقاومت" را به موافقان جنگ سرمایه داران تبدیل خواهد کرد. ما میگوئیم در جنگ سرمایه داران که برای استثمار شدیدتر کارگران جنگ براه می اندازند شرکت نکنید. در جنگی که از مردم اسیر بعنوان سپر انسانی استفاده میکنند، شرکت نکنید. این ارتجاع محض است. بر علیه کارگر اوکراینی و روسی است. نه به جنگ سرمایه داران! *

اعدام قتل عمد دولتی است!



ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کله‌ر

گرامیداشت روز جهانی زن در شهرهای مختلف ایران

مراسمهای ۸ مارس در شهرهای مختلف از جمله تهران، رشت، سمنجان، مشهد، مریوان، سقز، نقده و دیگر محافل کوچک و بزرگ در شهرهای دیگر برگزار شد. در این اجتماعات با پخش شیرینی و گل، برافراشتن پلاکاردها و بنر با خواستها و شعارهای جنبش زنان، ایراد سخنرانی و قرائت بیانیه و قطعنامه، هشت مارس را گرمی داشتند. همچنین بیانیه‌های متعددی از جانب تشکلهای زنان و نهادهای سیاسی اجتماعی بمناسبت ۸ مارس منتشر شده است.

هشت مارس طلایه دار فریاد نه به تبعیض

بیش از یک قرن است که مردم سراسر جهان، هشت مارس را روز جهانی زن تعیین کرده اند. هشت مارس از اعتراض زنان کارگری آغاز شد که علیه شرایط کاری و دستمزد به میدان آمدند و توانستند پیروزی خود را به پرچمی برای رفع تبعیض در سراسر جهان بدل سازند. اما پرچم هشت مارس در جامعه ایران با برگزاری باشکوه ترین تظاهرات علیه حجاب اجباری در اسفند ۵۷، برافراشته شد و با فریاد حقوق جهانشمول برای زنان، سرآغاز جنبشی شد که تا به امروز برای داشتن یک زندگی انسانی مبارزه می کند.

جنبشی که تبعیض و جداسازی جنسیتی را مسبب جهنمی می داند که منافع مناسبات آپارتایدی حاکم را تامین می کند. مناسباتی که آپارتاید جنسیتی را برای نابودی هویت انسانی زنان و کل جامعه برپا کرد و نتیجه آن را در نابودی منزلت انسانها می بینیم. کرامت انسانی زنان را با حجاب اجباری به بند کشیدند و زنان را از تمام حقوق اولیه یک انسان محروم ساختند. زنان را در قوانین، به کالا و برده ای بدل ساختند که اختیار هیچ انتخابی را ندارند. جنایت کودک همسری را قانونی کردند و مسبب قتل های بی شماری شدند.

اما زنان هرگز سکوت نکردند و به بردگی تن ندادند و در سایه نداشتن حق طلاق و انتخاب زندگی در شان انسان، چاره ای جز عصیان ندیده و با شکستن تابوهای تحمیل شده بر زندگی شان در واقع با مناسبات ضد زن در افتادند. قانون، حکم مرگشان را به جرم سرکشی و به نام ناموس داده بود و حاصل آن کشته شدن زنان در قتل های ناموسی است. هشت مارس دادخواه زندگی زنانی است که کودکی شان با مهر همسری نابود شد و جوانی شان به یغما رفت! دادخواه زندگی زنانی که قربانی خشونت و اسید پاشی و قتل می شوند.

هشت مارس دادخواه خون مونا حیدری است

که جهنم حاکم بر زندگیش را تحمل نمی کند و برای برون رفت از تمام قوانین و سنت های حاکم بر زندگیش، قید و بند ها را پاره کرده تا

خود را رها سازد. هرچند با شفاوتی بی نظیر خودش بر زمین ریخته شد اما گل های سرخی از مرگ وی جوانه می زند.

جوانه هایی که جنبش "می تو" را از سراسر جهان به ایران می آورد و جنبش "نام من کو" را از زنان افغان با "هویت من کو" در ایران پیوند می زند. و جنبش نوین رهایی زن را اعلام می کند.

امسال در شرایطی هشت مارس را بزرگ می داریم که فریاد علیه تبعیض به غرش معلمان این سرزمین بدل گشته و دفاع از مطالبات زنان و حق خواهی از آنان در مناسبات ضد زن حاکم، به فریاد همگانی بدل شده است. امروز جنبش زنان و مطالبات برحق و انسانی آن با دیگر جنبشهای مطالباتی این سرزمین پیوند ناگسستنی دارد و تا ریشه کن کردن بساط ظلم و نابرابری از پای نخواهد نشست.

مطالبات جنبش زنان:

- ۱- تبعیض علیه زنان در تمامی قوانین حقوقی سیاسی، اجتماعی، قضایی، شغلی و تحصیلی رفع شود و برابری کامل زن و مرد تضمین شود.
- ۲- لغو همه قوانین، سنت و رسوماتی که موقعیت جنس دوم و شهروند درجه دو را بر زنان تحمیل میکند. هر گونه تعدی و سوء استفاده و بهره کشی جنسی از زنان تحت هر عنوان باید ممنوع شود.
- ۳- ممنوعیت ورود زنان به استادیوم لغو شده و زنان بتوانند در تمامی رشته های ورزشی فعالیت داشته باشند.
- ۴- امنیت زنان در برابر هرگونه خشونت و تعرض و تجاوز در محیط های کار و خیابان و در چهارچوب خانواده، تضمین شود و علیه متعرضین به زنان در تمامی اشکال جسمی، روحی و کلامی اعلام جرم شود و قربانیان تجاوز و خشونت های خانگی و اجتماعی مورد حمایت های قانونی قرار گیرند.
- ۵- خشونت علیه زنان از آزار و اذیت ها تا قتل های ناموسی جرم تلقی شده و مسببین آن تحت پیگرد قانونی قرار گیرد و ختنه زنان ممنوع شود.
- ۶- حجاب اجباری لغو گردد و بی حرمتی و خشونت قانونی به زنان در خیابان تحت عناوین طرحهای عفاف و حجاب که دستمایه انواع خشونت به زنان می شود، متوقف شود و همه احکام زندان معترضان به حجاب اجباری و قوانین ضد زن فوراً و بی قید و شرط لغو گردد.
- ۷- برای حفظ حرمت و شان انسانی زنان و جلوگیری از رشد روز افزون آمار زنانی که به واسطه فقر و نداشتن حمایت های اجتماعی به گرداب مافیای تن فروشی و قاچاق می افتند و به تمام زنان بیکار حقوق بیکاری پرداخت شود.
- ۸- تبعیض و تفکیک جنسیتی در موقعیت های شغلی و تحصیلی لغو گردد و زنان از مزد برابر در ازای کار برابر با مردان برخوردار باشند و حداقل دستمزد مطابق با تورم افزایش یابد.

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

ساتراپ که در استخدام پیمانکاری راکی هستند و شرکت ستاره تاراز شاغل در پتروشیمی بوشهر، بر اساس فراخوان از پیش اعلام شده و در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای دیماه و بهمن ماه در دو روز متوالی دست به اعتصاب زدند. پس از اعتصاب روز قبل، پیمانکاری محمد لیموچی ناچار به پرداخت حقوق دیماه کارگران شد و وعده داد که حقوق بهمن ماه را روز بیست و سوم پرداخت کند. باوجود نزدیک شدن به پایان سال، کارگران پروژه‌های شاغل در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی چند ماه حقوق پرداخت نشده دارند و پیمانکاران قصد پرداخت حقوق‌های معوقه تا شروع سال بعد را ندارند و در اعتراض به این وضعیت کارگران پروژه‌های در روزهای اخیر فراخوان اعتصاب در روز پانزدهم و شانزدهم را اعلام کرده بودند و خواهان پرداخت حقوق‌های برج ۱۰ و ۱۱ هستند.

تداوم اعتراض کارگران معدن زغال سنگ سنگرود

حدود ۲۵ نفر از کارگران نگهبان پیمانی معدن زغال سنگ سنگرود در اعتراض به دریافت نشدن معوقات مزدی خود از سه روز پیش در محوطه معدن تجمع کردند.

تجمع اعتراضی اعضای تعاونی شرکت آب و فاضلاب اسلامشهر

روز شنبه ۱۴ اسفندماه جمعی از اعضای تعاونی شرکت آب و فاضلاب اسلامشهر در اعتراض به عدم رسیدگی به شکایاتشان مقابل دادگستری این شهرستان تجمع کردند.

تجمع اعتراضی کارگران پتروشیمی آبادان

روز شنبه ۱۴ اسفند جمعی از کارگران شرکت پتروشیمی آبادان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان مجدداً در محوطه شرکت دست به تجمع زدند.

اعتصاب غذای کارگران ارکان ثالث پالایشگاه در عسلویه

یکشنبه ۱۵ اسفندماه کارگران ارکان ثالث شاغل در پالایشگاه دوازدهم مجتمع گاز پارس جنوبی واقع در عسلویه در اعتراض به کیفیت پایین غذای شرکت pomc دست به اعتصاب غذا زده و از تحویل سهمیه غذا خودداری کردند. در نتیجه این اعتراض بیش از ۲۰۰ پرس غذا به آشپزخانه شرکت عودت شد. کارگران اعلام کردند که چنانچه کیفیت غذا بهبود نیابد مجدداً دست به اعتراض خواهند زد.

تجمع کارگران فضای سبز شرکت نفت و گاز آغاچاری

صبح روز یکشنبه ۱۵ اسفندماه کارگران فضای سبز شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری در اعتراض به بیکاری، بلا تکلیفی و نداشتن امنیت شغلی مقابل شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در اهواز تجمع کردند. این کارگران سفره‌ی خالی خود را به نشانه‌ی وضعیت نامناسب معیشتی درب این شرکت پهن کردند. تعداد این کارگران ۶۳ نفر است و همه دارای همسر و فرزند می‌باشند.

تجمع اعتراضی آتش‌نشانان کرج

روز یکشنبه ۱۵ اسفند نیروهای آتش‌نشانی کرج در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به تجمع زدند.

۹- زنان بایداز حق طلاق و حضانت فرزندان و سفر و اختیار شغل و باقی حقوق فردی برابر با مردان برخوردار باشند و ازدواج کودکان ممنوع اعلام شود.

۱۰- زنان باید از هویت شهروندی برابر با مردان برخوردار باشند تا بتوانند برای فرزندان خود ثبت هویت کرده و شناسنامه دریافت کنند.

۱۱- تمامی زنان فاقد بیمه های درمانی باید از درمان رایگان، از قبیل انواع واکسیناسیون همگانی، مطابق با استاندارد جهانی و بیمه کارآمد برخوردار باشند و بتوانند فرزندانشان را تحت پوشش بیمه خود قرار دهند.

۱۲- خرید سسکس جرم تلقی شده و خریداران سسکس تحت پیگرد قانونی قرار گیرند.

۱۳- تمامی زنان معتاد و کارتن خواب مورد حمایت قانونی و رفاهی قرار گیرند.

۱۴- به رسمیت شناختن حق تشکل یابی و توقف سرکوب فعالین زنان و لغو احکام صادره علیه فعالین.

۱۵- هشت مارس به عنوان روز جهانی زن به رسمیت شناخته شود حق برگزاری مراسم این روز بدون نیاز به مجوز و بدون قید و شرط تضمین شود.

زنده باد هشت مارس روز جهانی زن

زنده باد برابری

مارس ۲۰۲۲، اسفند ۱۴۰۰

ندای زنان ایران

گزارش ۸ مارس عفو بین‌الملل:

وضعیت زنان جهان در یکسال گذشته بدتر شده است

نقض حقوق زنان در سراسر جهان در سال ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲ به طرز هشداردهنده‌ای افزایش پیدا کرده است، حمایت‌های قانونی از زنان برچیده شده و زنان مدافع حقوق بشر اکنون به طرز بی‌سابقه‌ای در معرض خطر قرار دارند. سازمان عفو بین‌الملل در گزارش سالانه خود از بررسی وضعیت حقوق زنان در جهان که به مناسبت ۸ مارس/۱۷ اسفند، روز جهانی زن منتشر شد، اعلام کرد رعایت حقوق زنان و برابری جنسیتی در یکسال گذشته رو به زوال گذاشته و این روند باید قاطعانه معکوس شود. عفو بین‌الملل تاکید کرد حفاظت و ارتقای حقوق زنان و دختران و حمایت از زنان مدافع حقوق بشر، از جمله برای روند بهبودی زنان از آسیب‌های هم‌گیری کووید-۱۹، بسیار مهم است و دولت‌ها باید قاطعانه برای معکوس کردن بازگشت روبه عقب در زمینه حقوق زنان، و حمایت از حقوق بشری زنان و دختران اقدام کرده و تصمیماتی که وضعیت زنان و دختران را بدتر کرده است، لغو کنند.

تداوم اعتصاب کارگران پروژه‌های شاغل در پتروشیمی بوشهر

روز یکشنبه ۱۵ اسفندماه و روز دوشنبه ۱۶ اسفندماه کارگران شرکت

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

هزار تومان بئنکارت برای تمامی کارگران شارژ نمود اما کارگران اعلام کرده‌اند چنانچه به مطالبات اصلی‌شان پاسخی ندهند به اعتصاب ادامه خواهند داد. این کارگران خواستار افزایش پایه‌ی حقوق خود هستند.

حوادث

مرگ یک کارگر ساختمانی بر اثر ریزش آوار

در حادثه ریزش آوار محل گودبرداری شده یک ساختمان در حال ساخت که در خیابان خرازی، میدان موج شهر تهران رخ داد، یک کارگر ۲۲ ساله حین کار بر اثر ریزش آوار ریخته شده بر روی سرش دچار حادثه می‌شود. این کارگر تبعه افغانستان به دلیل سنگین بودن آوار، بلافاصله با حضور امدادگران از زیر آوار خارج شد اما بر اثر جراحات شدیدی که از چند ناحیه بدن داشت، متأسفانه جان خود را از دست داده بود.

بازنشستگان

تجمع سراسری بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی

روز یکشنبه پانزدهم اسفندماه بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی قزوین، کرمانشاه، اصفهان، اراک، شوشتر، تبریز، کرمان، اهواز، اردبیل، شوش، رشت، مقابل اداره تأمین اجتماعی دست به تجمع اعتراضی زدند. بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی نسبت به سطح نازل حقوق و مستمری‌ها، مشکلات بیمه تکمیلی و وضعیت بد معیشتی خود معترض و خواهان افزایش و همسان‌سازی کامل حقوق‌ها هستند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان فولاد و معدن البرز غربی

روز یکشنبه پانزدهم اسفندماه جمعی از بازنشستگان فولاد و معدن البرز غربی تجمع کردند و خواستار تحقق مطالبات معیشتی و حقوقی خود شدند. بازنشستگان صندوق فولاد هر یکشنبه در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به تجمع می‌زنند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان شرکت هواپیمایی هما

روز یکشنبه ۱۵ اسفند ۱۴۰۰، شماری از بازنشستگان شرکت هواپیمایی هما، در مقابل ساختمان این صندوق بازنشستگی دست به تجمع زدند. تجمع‌کنندگان به تصمیم دولت برای واگذاری این صندوق به صندوق بازنشستگی کشوری اعتراض دارند. روز سه‌شنبه ۱۷ اسفند نیز بازنشستگان شرکت هواپیمایی هما در اعتراض به تصویب انتقال صندوق بازنشستگی هما به صندوق بازنشستگی کشوری در مقابل ساختمان مجلس تجمع اعتراضی برگزار کردند.

تجمع بازنشستگان شرکت برق تهران در اعتراض به تبعیض‌ها

روز دوشنبه ۱۶ اسفندماه جمعی از بازنشستگان شرکت توزیع برق تهران با برگزاری تجمع در مقابل ساختمان شرکت مدیریت شبکه برق ایران، نسبت به تبعیض موجود در وزارت نیرو اعتراض کردند. بازنشستگان معترض با در دست داشتن پلاکاردهایی، در خصوص عدم اجرای مصوبات وزارت نیرو اعتراض کرده و خواهان

تداوم اعتراض کارگران شهرداری کوت عبدالله

کارگران شهرداری کوت عبدالله در استان خوزستان بار دیگر نسبت به عدم پرداخت معوقات مزدی و بیمه‌ای خود اعتراض کردند. این کارگران می‌گویند: روز دوشنبه شانزدهم اسفند، اول به شهرداری منطقه کوت عبدالله مراجعه کردیم و سپس به فرمانداری آمدم اما هیچ پاسخی روشن به ما ندادند؛ دو روز است که به تمام نهادهای ذیربط و مسئول مراجعه می‌کنیم.

تجمع اعتراضی نیروهای راهداری شهرکرد

شماری از نیروهای راهداری استان چهارمحال و بختیاری، روز دوشنبه ۱۶ اسفند ماه، در مقابل ساختمان استانداری در شهرکرد تجمع اعتراضی برگزار کردند. پرسنل به عدم پرداخت به موقع حقوق و مزایا اعتراض کرده و خواستار رسیدگی مسئولان به مشکلات شغلی و معیشتی خود شدند.

اعتصاب پرسنل شرکت تولید و بهره‌برداری نیروگاه سد دز

روز دوشنبه ۱۶ اسفندماه پرسنل شرکت تولید و بهره‌برداری نیروگاه سد دز اندیمشک، اعتصاب و در محوطه این شرکت تجمع کردند. پرسنل نیروگاه و سد دز نسبت به افزایش بیکاری روزافزون ساکنین منطقه و استخدام رسمی نیرو از سایر مناطق در این مجتمع اعتراض دارند.

سومین روز تجمع کارگران شهرداری شوش

تا روز سه‌شنبه ۱۷ اسفندماه کارگران شهرداری شوش در استان خوزستان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان برای سومین روز متوالی مقابل شهرداری این شهرستان دست به تجمع زدند.

اعتصاب کارگران شرکت ایران کاوه سایپا

کارگران شرکت ایران کاوه سایپا، در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و کم بودن حقوق و دستمزد، برای دومین روز پیاپی، دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. این کارگران قصد داشتند که در مقابل شرکت سایپا تجمع اعتراضی برگزار کنند، اما مدیران شرکت ایران کاوه سایپا اجازه خروج به آنها ندادند و مطالبات کارگران را بی‌پاسخ گذاشته‌اند.

اعتصاب کارگران شرکت تولید قالب‌های صنعتی سایپا

روز چهارشنبه ۱۸ اسفندماه کارگران شرکت تولید قالب‌های صنعتی سایپا در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی، سطح نازل دستمزد و عدم پرداخت هیچ نوع بئن و ارزاقی از سوی شرکت از ساعت ۱۰ صبح دست از کار کشیدند و مقابل ساختمان اداری شرکت دست به تجمع زدند. پس از شروع اعتصاب و تجمع، مدیریت شرکت بلافاصله مبلغ ۴۵۰

ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی ...

برقراری عدالت و رفع تبعیض میان بازنشستگان شرکت توزیع و سایر بازنشستگان مجموعه وزارت نیرو شده‌اند.

تجمع سراسری بازنشستگان شرکت مخابرات ایران

روز سه‌شنبه ۱۷ اسفندماه جمع‌هایی از بازنشستگان شرکت مخابرات ایران از استان‌های تهران و البرز در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان و وضعیت نامناسب معیشتی و مستمری‌های نازل مطابق اعلام قبلی مقابل ساختمان شرکت مخابرات ایران در تهران دست به تجمع زدند. تجمع بازنشستگان مخابرات کشور همزمان در سایر شهرها نیز برگزار شد.

زندان و دستگیریه‌ها

ادامه فشار و پرونده سازی برای فعالان صنفی معلم

پیروز نامی، علی کروشوات، فرنگیس نسیم پور از اعضای کانون صنفی معلمان خوزستان هفده اسفندماه در دادگاه حاضر شدند. عزیز قاسم زاده سخنگوی کانون صنفی فرهنگیان گیلان نیز بیست و یکم اسفندماه باید به دادگاه برود. جعفر ابراهیمی سخنگوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان با چهار سال و نیم حبس، منتظر برگزاری دادگاه تجدید نظر است.

اصغر امیرزادگان به دادرسی انقلاب شیراز احضار شد

روز پنج‌شنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۰ اصغر امیرزادگان طی یک تماس تلفنی به دادرسی انقلاب شیراز احضار شد. اصغر امیرزادگان روز شنبه ۱۴ اسفند خود را به دادرسی انقلاب شیراز معرفی کرد. امیرزادگان معلم بازنشسته ساکن فیروزآباد فارس می‌باشد. در شعبه ۱۴ بازپرسی دادرسی شیراز اتهام تبلیغ علیه نظام را برای او طرح کرده است. شاکای پرونده پلیس امنیت است، در حالی که پیشتر آقای امیرزادگان از نیروهای لباس شخصی به خاطر اقدام به ربودن خود شکایت کرده بود. بازپرس با قرار کفالت به مبلغ ۳۰۰ میلیون تومان صادر و با تودیع قرار، ایشان به صورت موقت آزاد شدند.

احضار رادا مردانی به دادرسی

طبق احضاریه که به رادا مردانی ابلاغ شده است وی باید روز شنبه ۱۴ اسفند در دادگاه نورآباد لرستان حاضر شود. اتهام انتصابی به وی تبلیغ علیه نظام است.

حبیب افکاری آزاد شد

حبیب افکاری برادر نوید افکاری بعد از ۵۴۵ روز حبس و شکنجه در زندان انفرادی، آزاد شد.

هیراد پیربدایی به ۴ سال و ۸ ماه حبس محکوم شد

هیراد پیربدایی، فعال کارگری توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ۴ سال و ۸ ماه حبس تعزیری، دو سال محرومیت از عضویت در گروه‌ها و دسته‌جات سیاسی و اجتماعی و دو سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد. در صورت تأیید این حکم در مرحله تجدیدنظر ۴ سال زندان برای این فعال کارگری قابل اجرا خواهد بود. هیراد پیربدایی به همراه عسل مجدی در تاریخ ۱۵ آبان‌ماه بازداشت شده و منزل آنان مورد تفتیش نیروهای امنیتی قرار گرفت و نهایتاً در تاریخ ۱۱ دی‌ماه با تودیع قرار وثیقه از بند عمومی زندان اوین آزاد شد.

تشکیل پرونده قضایی برای اعضای کانون صنفی فرهنگیان قزوین

از سوی دادرسی عمومی و انقلاب قزوین خانم مریم زیرک، آقایان اسماعیل فرهنگ منش و علی اله بخش روز ۱۴ اسفند ماه به دادگاه فراخوانده شدند. در ابلاغیه دادگاه عناوینی چون اتهامی نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی و تبلیغ علیه نظام مطرح شده است. ایشان بعد از تفهیم اتهام بوسیله بازپرسی ششم دادرسی قزوین به صورت جداگانه با قرار کفالت هفتاد میلیون تومانی تا زمان تشکیل دادگاه آزاد شدند.

پرونده سازی برای یک فعال صنفی توسط آموزش و پرورش

لقمان افضلی فعال صنفی معلمان در سندج به اداره تخلفات احضار شد. بنابر ابلاغیه‌ای که برای این فعال صنفی معلمان ارسال شده، با اتهام توهین به نظام ج ۱ و تشویش اذهان عمومی، هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری به اتهامات انتسابی رسیدگی می‌کند.

امیرعباس آذرمنند برای اجرای حکم به زندان تحویل داده شد

«امیرعباس آذرمنند»، روزنامه‌نگار و فعال کارگری برای اجرای چهار سال و سه ماه حکم خود به زندان اوین تحویل داده شد. او که در جریان برگزاری مراسم «هشتم مارس» از سوی نهادهای امنیتی بازداشت شده بود، در تماس با خانواده خود اعلام کرد که او را برای اجرای حکم به قرنطینه یک زندان اوین تحویل داده‌اند. این روزنامه‌نگار در شهریور ماه امسال از سوی وزارت اطلاعات بازداشت شده و با تودیع وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی آزاد شده بود. پس از آن در آذرماه قاضی افشاری او را با اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی و فعالیت تبلیغی علیه نظام به بیش از چهار سال حبس تعزیری محکوم کرده بود. اکنون وی را بازداشت و بدون اطلاع قبلی به اجرای احکام تحویل داده‌اند تا حکم زندان او اجرا شود.

کارگران و معلمان زندانی،

کلیه زندانیان سیاسی آزاد باید گردند!

آموزش رایگان برای همگان!

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در مورد جنگ در اوکراین



جنگ امپریالیستی و ضد بشری باید متوقف شود!

اروپا و پیمان جنگی ناتو نیز با رساندن خود به مرزهای روسیه و با تحولات سال ۲۰۱۴ در اوکراین و تبدیل آن کشور به متحد خویش، هدف تضعیف و جذب روسیه در درون خود و اگر موفق نشدند تبدیل آن به یک قدرت درجه چندم اروپایی را مد نظر دارند، به این ترتیب آنها بلوک روسیه و چین را نیز تضعیف می نمایند. اگر تا دیروز خاورمیانه و آفریقا میدان نبرد و کشمکش های خونین قدرت های جهانی و منطقه ای بود، اکنون غرب می خواهد از طریق اوکراین با روسیه و در حوزه پاسیفیک با چین، نظم جدیدی را سازمان بدهد.

ثمره این کشمکش ها و جدال ها برای مردم جهان، برای کارگران و زحمتکشان، زنان و کودکان چیزی جز مرگ و میر و نابودی هستی و نیستی شان و آواره شدن میلیون ها انسان به همراه ندارد. همه این نتایج و خطرات را پیش از این در خاورمیانه و شمال آفریقا دیدیم و اکنون دست کم در اوکراین شاهد آن هستیم.

در برابر این وضعیت، تنها با محکوم کردن این جنگ و افشای نیات سودجویانه بازیگران جنگ طلب و امپریالیستی آن، با به میدان آمدن بشریت مترقی و طبقه کارگر جهانی و شکل گیری اعتراضات گسترده می توان به این بربریت موجود پایان داد. در این میان طبقه کارگر روسیه و اوکراین بیش از همه مسئولیت و وظیفه دارند که نه تنها به گوشت دم توپ این جدال و کشمکش ارتجاعی تبدیل نگردند، بلکه نفرت و خشم خود را به سوی آنانی نشانه روند که جان میلیونها انسان را در میدان جنگ و تحریم به نابودی خواهند کشاند.

لذا، "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" خود را همراه و همگام با طبقه کارگر و مردم محروم کشورهای اوکراین و روسیه و هرگوشه جهان، علیه جنگ سرمایه داران و دولت هایشان می داند. ما طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در سراسر جهان را برای دخالت در این بحران بین المللی فرا می خوانیم و ضروری است علیه سیاست های جنگی و توسعه طلبانه قدرت های امپریالیستی، برای ختم فوری جنگ، علیه دولت های جنگ طلب و نظام سرمایه داری به میدان بیاییم.

**علیه جنگ سرمایه داران، علیه نظم سرمایه داری!
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!**

۲۸ فوریه ۲۰۲۲ - ۹ اسفند ۱۴۰۰

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

بعد از هفته ها جنگ لفظی، تهدیدها، هشدارها و دیدارهای سران دو بلوک امپریالیستی آمریکا و اروپا، امپریالیسم روسیه همراه با مانور های نظامی طرفین بر سر اوکراین و پس آن با به رسمیت شناختن جمهوری های لوهانسک و دونتسک از طرف فدراسیون روسیه، بالاخره در روز پنجشنبه ۲۴ فوریه، روسیه تهاجم نظامی خود به اوکراین را از شمال، شرق و جنوب و از طریق هوا و زمین و دریا آغاز کرد.

تشدید بحران های موجود و تهاجم نظامی روسیه به اوکراین بار دیگر این حقیقت محض را نشان داد که جنگ ادامه سیاست به شکل دیگر است. سیاستی که اکنون خود را در شکل تهاجم روسیه به اوکراین نشان داده است، چیزی جز انعکاس همان سیاست قبلی نیست که اکنون با تغییر توازن قوا بین قدرت های امپریالیستی این بار اوکراین به میدان جنگ این رقابت ها تبدیل شده است.

در واقع، چه ادعاهای ریاکارانه روسیه که گویا در دفاع از ساکنین "جمهوری های خلق لوهانسک و دونتسک" ارتش خود را به این مناطق گسیل کرده است و چه ادعاهای مزورانه امپریالیسم آمریکا، اتحادیه اروپا و ناتو که گویا در دفاع از حق حاکمیت اوکراین نیروهای نظامی و تسلیحات به کشورهای مرزی اوکراین فرستاده اند، ذره ای از این حقیقت نمی کاهد که هدف هر دو بلوک امپریالیستی تقسیم و باز تقسیم مناطق نفوذ خود در شرایط جدید جهانی است.

واقعیت این است که نظم جهان دوقطبی بعد از جنگ جهانی دوم و شکلگیری جهان یک قطبی بعد از فروپاشی بلوک شرق به تاریخ سپرده شده است. عروج چین تا حد دومین قدرت اقتصادی جهان، عروج مجدد روسیه به عنوان دومین قدرت نظامی جهان، گسترش قدرت های سرمایه داری در اروپا، ژاپن و... نشان از این واقعیت دارد که قطبهای چندگانه سرمایه داری، سرتاسر جهان را به میدان کشمکش ها و جدال های خونین خود تبدیل کرده اند.

اوکراین با در اختیار داشتن منابع غنی و زمین های حاصل خیز که بخش قابل ملاحظه ای از غلات در جهان را تولید می کند و موقعیت سوق الجیشی سیاسی و نظامی اش، طعمه ای نیست که طرفین این جدال ویرانگر به آسانی در اختیار آن دیگری قرار دهد. اگر روسیه این هدف را دنبال می کند که با تصرف اوکراین و یا به قدرت رساندن رژیم دست نشانده و یا متحد خود، زمینه را برای مصالح و منافع بزرگ سرمایه داران و ناسیونالیسم تجاوزگر روس، برای تحمیل و تثبیت موقعیت خود به عنوان یک ابرقدرت بازیگر در معادلات جهان چند قطبی را میسر سازد، در مقابل بلوک آمریکا و

توقف جنگ بیدرنگ!

برای یک برابری سوسیالیستی

سخنرانی فخری جواهری در مراسم تورتوی کانادا

هشتم مارس مبارک. ۸ مارس یک سنت سوسیالیستی است، برای رفع تبعیض براساس جنسیت، برای برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی. جنبش زنان جنبشی جهانی علیه نابرابری و تبعیض است. در این تاریخ کمونیستها و سوسیالیست ها و زنان و مردان پیشرو نقش جدی داشتند.

امروز من بعنوان یک فعال کمونیست، می پرسم چرا بعد از یک قرنها هنوز زن و مرد برابر نیستند؟ چرا امروز حقوق ما را نه بعنوان انسان و نیمه بشریت بلکه براساس هویت های متنوع دیگر بررسی می کنند؟ آیا این پیشرفت است یا پسرفت؟

سرمایه داری زمانی آمد دولتها و ملتها را تشکیل داد تا بازار واحد در یک کشور ایجاد کند. بورژوازی با انقلاب کشورها و هویت ملی رو بوجود آورد، شهروند و حقوق فردی و اجتماعی بوجود آمد. در همین دوره سرمایه داری کارگران خواستند فراتر بروند و برابری اقتصادی ایجاد کنند. انقلاباتی برپا شد و صحبت کمونیست ها از حقوق کارگران در جهان، از حقوق زنان در جهان، از ارتقای حقوق انسانها در جهان بود.

ولی در چند دهه گذشته دنیا به سمت دیگری رفته است. ما یک دوران دنده عقب تاریخی را شاهدیم. در دنیای بحران زده، موقتا عقایدی رشد کردند که روی هویت سازی و کشف "هویت های اصیل" کار میکرد. اینکه ما هویت واحدی نداریم، تئوری های جامع نداریم، تاریخ نداریم، اینکه هر چیزی درست است، ... ناگهان کل تاریخ مبارزه طبقاتی و دستاوردهای سوسیالیستی انکار شد. یکباره فهمیدیم جامعه از موزائیک های مختلف تشکیل شده و هر کسی هویتی دارد. امروز به امریکایی، مهاجر، در مهاجران به سیاه، سفید و زرد، ملیت های مختلف، کامیونیتی های مسلمان، شیعه، با کالچر مختلف و با یک گراند مختلف، با حقوق مختلف تبدیل شدیم!

صحبت از اعتقادات نیست، هر کسی آزاد است به هر چیزی باور داشته یا تعلق داشته باشد. ولی هدف از این تقسیم بندیها چیست؟ آیا ما میتوانیم اینگونه آزاد شویم؟ فرض کنید من بروم بررسی کنم ببینیم خانواده ام جزو کدام ایل یا عشیره، مذهب و سکتی بودند، چند صد سال پیش چطور فکر میکردند، ولی اینها چه ربطی به امروز من دارد؟ من امروز در قرن ۲۱ در کانادا زندگی میکنم. دنیا هم دنیای دیجیتال، دنیای انفورماتیکه، دنیای سرمایه داریه. اینکه یک زمانی اجداد ما جنگجوی دریائی بودند یا برده بودیم، چه افتخاری برای من دارد که الان بگویم من آم؟

مذاهب به ما همین را میگویند، ناسیونالیسم به ما همین را میگوید، فمینیسم نیز بدرجائی همین میگوید، پست مدرنیست ها و مولتی

کالچرالیست ها همین را میگویند. و این یعنی اینکه ما طبقات نداریم، ما رهایی اجتماعی نداریم، ما آرمان جمعی نداریم و هر کسی برود در گروههای کوچک در باکسهای کوچک، هر کسی برود دنبال کار خودش در جنگ و رقابت با بغل دستی، مثل قانون بازار.

ما بعنوان کمونیست میگوئیم این عقاید ارتجاعی و انتزاعی اند. ما سیاست هویتی را

وایسگرا و ضد تاریخی و علیه پیشرفت عمومی میدانیم. راستش بیشتر شبیه آپارتاید فرهنگی است. ما میگوئیم انسانها باید حقوق جهانشمول داشته باشند. ما اول به معنی عام انسان هستیم و به معنی خاص به طبقات تعلق داریم، به جنبش های سیاسی با اهداف طبقاتی تعلق داریم. آرمانها و منافع مختلفی را دنبال میکنیم. من کارگر ایرانی با سرمایه دار ایرانی یک منفعت ندارم، همانطور که کارگر مثلا مسلمان یا مسیحی یا سیک با کارفرمای هم مذهب و هم زبان خود منافع متضاد دارد. بورژوازی از این تقسیم بندیها برای ایجاد شکاف در میان کارگران استفاده می کند تا سود ببرد و حکومت کند.

ببینید، ما را عادت دادند که بگوئیم ما ایرانی هستیم، کانادایی هستیم، مسلمون هستیم، سیاه هستیم، و ... این فرهنگ طبقه حاکم است و شما به این مسئله مهم انتقادی برخورد نمی کنید. باید انتقادی بود و قبول نکرد. چرا من باید با همسایه سیاهپوستم یا چینی یا امریکایی یا فرانسوی ام اساسا مشکلی داشته باشم یا دیدم حتی ذره ای فرق بکند؟ چرا نباید مثل یک همسایه، به همکاری، یک رفیق همدیگر را ببینیم و معاشرت کنیم؟

اینجا بحث حقوق مهم میشود. گفتم فردی هر بزرگسالی حق دارد هر باروی داشته باشد و آزاد است. اما بعنوان ارزش، بعنوان مبنایی در مبارزه سیاسی، بعنوان نگرش و سیاست ارتجاعی است. شما نمیتوانید بگویید حقوق برای زنان سیاهپوست، یا زنان مسلمان! باید گفت برای زنان، برای کلیه زنان در هر کشور، برای زنان در کره خاکی.

شما اگر بگویید حقوق زنان جهانشمول است، آنوقت سکوت کردن در مقابل سر بردن زنان در افغانستان، تجاوز دستجمعی به زنان در میانمار و سودان قابل قبول نیست. آنها آیا آدم نیستند، حقوق ندارند، چه کسی مسئول است؟ ولی به من و تو یاد میدهند بیشتر به فکر کانادایی باشی. به فکر مسلمان باشی، به فکر ایرانی باشی! حتی عواطف انسانی ما را مورد تعرض قرار میدهند.

یک کمونیست، یک سوسیالیست، یک اوانگارد اول میگوید؛ من انسانم، حقوقی دارم، این حقوقم را میخواهم و میرم با کسانی که مثل من فکر میکنند برای گرفتن حقم مبارزه میکنم، سعی میکنم به قانون تبدیلیش کنم. ولی باید بدوینم که این قوانین هر چقدر هم عوض بشود،

اعلامیه حزب حکمتیست

یک سیاست حزب حکمتیست در روز زن همبستگی با مبارزات زنان در افغانستان و مبارزه برحق آنها برای نفی طالبان بود. حمایت از زنان در افغانستان، حضور برخی از فعالین زنان افغانستان در برنامه های کلاب هاوس و جلسات و سمینارها و برنامه های تلویزیونی همراه با فعالین حقوق زن در ایران، تأکیدی بر همسرنوشتی زنان در ایران و افغانستان بود.

در خارج کشور تشکیلات حزب حکمتیست در جلسات و مراسمهای همراه با احزاب سیاسی و شورای استکهلم در شهرهای کلن آلمان، استکهلم سوئد و تورنتو کانادا برگزار کرد. در این جلسات رفقا پروین کابلی، سوسن هجرت و فخری جواهری از فعالین و کادرهای حزب جزو سخنرانان این مراسمها بودند. در لندن و در میدان ترافالگار نیز اجتماعی از فعالین حزب همراه با فعالین سوسیالیست برگزار شد.

مسئله زن و مبارزه برای امر برابری زن و مرد یکی از وجوه مهم تلاش کمونیست ها و سوسیالیست ها در دنیای واپسگرا و جنگ زده کنونی و یک جنبش حی و حاضر و رادیکال در صحنه سیاست ایران علیه جمهوری اسلامی است. الغای نظام آپارتاید و امر برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی، پرچم کمونیست ها در این مبارزه است.

**نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

۱۱ مارس ۲۰۲۲



برای یک برابری سوسیالیستی

سخنرانی فخری جواهری در مراسم تورنتوی کانادا ...

بردگی ما سر جایش هست. تبعیض و استثمار سر جایش هست. سرمایه داری نمی تواند نظامی برابر باشد.

دنیای امروز در ثروت و تکنولوژی و امکانات غرق است. برابری انسانها امری غیر ممکن نیست. تامین رفاه برای همه واقعی است. هر کسی باید آزاد باشد هر عقیده شخصی داشته باشد. ولی ما بعنوان کمونیست ها، بعنوان طبقه کارگر، هدفمان اینست که مبنای نابرابری و تبعیض، استثمار و فلاکت، بردگی جنسی و مردسالاری را ریشه کن کنیم. مسبب این اوضاع نظام کنونی است، سرمایه داری. پس باید علیه این نظام انقلاب کرد. متاسفانه کمونیستهای امروز در بسیاری کشورها چنین دستور کاری ندارند.

ما به لنین ها، کلنتای ها، زتکین ها، لوگزامبورگ ها، کروپسکایا ها نیاز داریم. ما باید بگوئیم این نظم و این قواعد قابل قبول نیست، باید زیر و رو شود. من هم همین را میگویم.*

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!

عکسهای از مراسمهای ۸ مارس ۲۰۲۲



نه به آپارتاید جنسی، نه به حجاب اسلامی!

عکسهای از مراسمهای

۸ مارس ۲۰۲۲



برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

Declaration of the Worker-communist Party of Iran - Hekmatist on

Crisis and war in Ukraine

Workers, rise up against the imperialist war!

In the early hours of the morning of Thursday, February 24, the Russian army targeted from several land, air and sea fronts the military infrastructure, air force facilities and military airports of Ukraine in the cities of Odessa, Kharkiv and Kiev.

The war between Russian and Ukrainian governments is part of a larger global conflict, that is, Ukraine is merely a stage for the showdown between big bourgeois powers. The mainstream media speak of the return to the Cold War and the "fight between democracy and dictatorship." The Cold War era ended three decades ago. Separated parts of the defunct Eastern bloc are now free market capitalist states busy exploiting workers and, for the most part, NATO members. The "great Russia" aspiration of the Russian nationalism has long since been revived and challenged the US-led world order. China too is pursuing its own economic and political goals as a rival to the United States and a new economic ally of Russia. The working people in Ukraine and Russia are now falling prey to the goals hidden behind those reactionary confrontations.

The immediate goal of Putin's Russia is to deny Ukraine the chance to join NATO, topple its current government, replace it with a 'friendly' government, and thereby restore its own sphere of influence in the breakaway republics of the former Soviet Union. Another goal that Russia may gradually achieve is the annexation of Ukraine to Russia. The more fundamental goal of the ambitious Russian nationalism of which Putin is presently the standard bearer is to firmly establish its position as a decisive superpower in the equations of a multi-polar world.

On the opposite front, the United States is trying to make up for its weakened global position through a policy of containment of China and Russia, expanding NATO, weakening Russia economically, creating a rift between Russia and China, and between Russia and Europe, in particular. The United States has no plans to go to war against Russia and, despite strong condemnations, may welcome Putin's invasion of Ukraine as an opportunity to weaken Russia's economic and political position, further isolate it, and re-establish itself as the world's biggest power. The first result of the current invasion will be the re-uniting by Western governments around the United States and NATO, the cancellation or temporary suspension of Nord Stream 2 by Germany, and putting the Chinese government in a contradictory position. It is in this climate of global conflict and militaristic intimidation that China is laying out its claims over Taiwan more seriously than ever.

We consider the belligerence of the imperialist powers to have no purpose other than to shape and redefine a new bourgeois world order, and consider this particular case, i.e., the current war, that is, the militaristic terrorization of the Ukrainian people by the Russian government, as reactionary and against the interests of the world working class. Putin, Biden, Macron, Schultz, Johnson, and Zelensky are merely agents representing the interests of the various factions of a single, international class – the bourgeoisie. The interests of the workers are not, and will not be, represented either in the wars or in the peaces made by the factions within the bourgeois class itself. In the current crisis, therefore, we stand not on the side of the governments, not on the side of the nationalist goals and policies of one side or the other, but on the side of the workers in Russia, Ukraine and the countries of the region against the capitalist governments. The economic sanctions imposed by the Western powers, i.e., the US and its European allies, are not only a non-deterrent to Putin's Russia in this war, but they are, as far as the former is concerned, in effect, weapons of mass destruction aimed at the working people in Russia, and, as far as the latter, make-shift tools, as it were, in the hands of the Russian ruling elite to justify their repressive rule. In a nutshell, we consider the impositions of such sanctions inhumane, pure →

Crisis and war in Ukraine

Workers, rise up against the imperialist war...

and simple.

We call on the working class in Russia and Ukraine not to become allies of one side or the other in the reactionary war between the governments of Putin and Zelensky. This is not the war of workers and oppressed people; it is a war of the capitalists. The working classes in Ukraine and Russia, given their long history and common interest, must raise the banner of war against their own bourgeoisie and turn their guns towards the ruling elite in their own country.

This war, which has already led to widespread suffering and displacement on a massive scale, has no justification and must be stopped immediately. This war is totally against the working class and every freedom-demanding movement in the world today. This war will cause great setbacks, will prepare the ground for the advancement of religion, fascist organizations and fanatical forces, and will cause displacement and hardship upon millions of deprived masses. The working class and its communist leaders must, as a united front, confront the reactionary goals of the capitalist war with their own socialist solutions.

Under the present circumstances, it is of vital importance to realize the common fate of the working classes as well as the freedom-loving people in Russia, Ukraine, Europe and the United States. Such realization is the first step in the direction of forming an independent, class front line against the reactionary war of the bourgeois governments in order to bring it to a conclusion conclude in favor of the world working class.

Workers! Rise up against the imperialist war!

No to the capitalists' war!

Long live the international solidarity of the working class!

Freedom, equality, workers' rule!

Worker-communist Party of Iran – Hekmatist

Feb. 25, 2022

**آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری – حکمتیست**

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

جمال کمانگر

jamalkamangar@yahoo.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienszade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران – حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیست

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست

کارگری – حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال

آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و

دوستانان معرفی کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

نه به جنگ سرمایه داران!

اعلامیه حزب حکمتیست در باره؛

بحران و جنگ در اوکراین

کارگران علیه جنگ امپریالیستی بپاخیزید!

ما جنگ طلبی قدرتها و دولتهای امپریالیستی که هدفی جز شکل دادن و بازتعریف نظم جدید بورژوازی را ندارند، و در این مورد مشخص، جنگ و زورگویی میلیتاریستی دولت روسیه را ارتجاعی و ضد کارگری می دانیم. پوتین و ماکرون و شولتز و جانسون و زلنسکی، عناصر و نمایندگان منافع بخشهای مختلف یک طبقه واحد جهانی، طبقه بورژوازی اند. منافع کارگران در جنگ و صلح بورژواها نمایندگی نشده و نخواهد شد. ما در این بحران نه در کنار دولتها و سیاستها و اهداف ناسیونالیستی و فاشیستی این یا آنسوی جدال، بلکه کنار کارگران در روسیه و اوکراین و کشورهای منطقه علیه دولتهای سرمایه داری قرار داریم. تحریم اقتصادی آمریکا و غرب نه تنها بازدارنده پوتین در این جنگ نیست، بلکه عمدتاً سلاح کشتار جمعی مردم کارگر و زحمتکش و ابزاری در دست هیئت حاکمه روسیه برای توجیه ادامه حاکمیت استبدادی و سرکوبگرش است و از نظر ما سیاستی ضد انسانی و مردود است.

فراخوان ما به طبقه کارگر در روسیه و اوکراین اینست که نیروی جنگ ارتجاعی دولت پوتین و زلنسکی و موئتلفین آنها نشوند. این جنگ کارگران و مردم ستمدیده نیست، جنگ سرمایه داران است. طبقه کارگر در اوکراین و روسیه، نظر به تاریخ طولانی و منافع مشترک، ضروری است که پرچم جنگ علیه بورژوازی "خودی" را برافرازند و تفنگ ها را بسمت هیئت حاکمه و طبقه بورژوازی حاکم بر سرنوشت خود برگردانند و از قدرت ساقطشان کنند.

این جنگ که فی الحال به رنج و درد و آوارگی وسیع منجر شده است، هیچ توجیهی ندارد و باید فوراً متوقف شود. این جنگ تماماً علیه طبقه کارگر و هر روند آزادیخواهانه در جهان امروز است. این جنگ عقبگردهای بزرگ به جوامع تحمیل می کند، به نیروهای مذهبی و فاشیست و متعصب میدان میدهد و آوارگی و مشقت ببار می آورد. جهان امروز تحولات عظیمی را پشت سر می گذارد، طبقه کارگر و کمونیسیت ها بعنوان یک طرف درگیر باید راه حل سوسیالیستی خود را در مقابل اهداف ارتجاعی جنگ سرمایه داران قرار دهند.

در شرایط کنونی، اعلام همسرنوشتی طبقه کارگر و اردوی مردم آزادیخواه در روسیه و اوکراین و اروپا و آمریکا، یک گام مهم برای شکل دادن به یک صف مستقل طبقاتی در مقابل جنگ و اهداف دولتهای بورژوازی است. سیاست کمونیسیم و طبقه کارگر در تحولات مهم جهان، میتواند ختم جنگ با راه حل کارگران باشد.

کارگران! علیه جنگ امپریالیستی بپاخیزید!

نه به جنگ سرمایه داران!
زنده باد اتحاد انترناسیونالیستی کارگران!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیسیت کارگری - حکمتیست

۲۵ فوریه ۲۰۲۲

ساعات اولیه صبح روز پنجشنبه ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، ارتش روسیه از چند جبهه زمینی و هوایی و دریایی با موشکهای کروز و بالستیک و بمباران، زیر ساختهای نظامی، تأسیسات نیروی هوایی و فرودگاههای نظامی در شهرهای اودسا و خارکف و کی اف در اوکراین را مورد هدف قرار داد.

جنگ دولتهای روسیه و اوکراین بخشی از یک کشمکش وسیعتر جهانی، و اوکراین صرفاً یک میدان جنگ قدرتهای بزرگ بورژوازی است. رسانه ها از بازگشت به دوران جنگ سرد و "جدال دمکراسی و دیکتاتوری" سخن می گویند. دوران جنگ سرد سه دهه پیش تمام شد و بخشهای جدا شده از فروپاشی بلوک شرق سابق، امروز عمدتاً یا عضو ناتو هستند و یا جملگی در بازار جهانی سرمایه مشغول استثمار کارگرانند. ناسیونالیسم عظمت طلب روسی مدتهاست کمر راست کرده و نظم جهانی تحت رهبری آمریکا را به مصاف طلبیده است. چین بعنوان رقیب آمریکا و قدرت اقتصادی جدید و متحد روسیه نیز اهداف اقتصادی و سیاسی خود را دنبال میکند. مردم کارگر و زحمتکش در اوکراین و روسیه قربانی اهداف این تقابلهای ارتجاعی اند.

هدف فوری اعلام شده روسیه و پوتین، نفی عضویت اوکراین در پیمان ناتو، ساقط کردن دولت کنونی آن و سرکار آوردن دولت نزدیک به خود و احیای حوزه نفوذش در جمهوریهای جدا شده از شوروی سابق است. یک هدف دیگر روسیه که بتدریج میتواند جامه عمل بپوشد، الحاق اوکراین به روسیه است. اما هدف اساسی تر ناسیونالیسم عظمت طلب روسی که اکنون پوتین پرچم آن را به دست گرفته است، تحمیل و تثبیت موقعیت خود به عنوان یک ابر قدرت بازیگر در معادلات جهان چند قطبی است.

در مقابل، آمریکا برای جبران موقعیت ضعیف شده جهانی خود با سیاست مهار چین و روسیه برای گسترش ناتو، تضعیف اقتصادی روسیه، ایجاد شکاف بین روسیه و چین و بویژه روسیه و اروپا تلاش میکند. آمریکا قصد جنگ با روسیه را ندارد و برخلاف ابراز محکومیت های شدید، چه بسا حمله پوتین به اوکراین را فرصتی میداند برای تضعیف موقعیت اقتصادی و سیاسی روسیه و منزوی کردن آن و عرض اندام خود به عنوان بزرگترین قدرت جهانی. اولین نتیجه این حمله متحد کردن مجدد دولتهای غربی حول آمریکا و ناتو، لغو یا تعلیق موقت قرارداد نورد استریم ۲ توسط آلمان، و در موقعیت متناقض قرار دادن دولت چین است. در این فضای کشمکش جهانی و قلدری میلیتاریستی است که چین هم مسئله تایوان را جدی تر از پیش مطرح میکند.

زنده باد سوسیالیسم!